



دیدگاه

موضوع: قدرت انحصاری صنایع و سیاست های تجاری

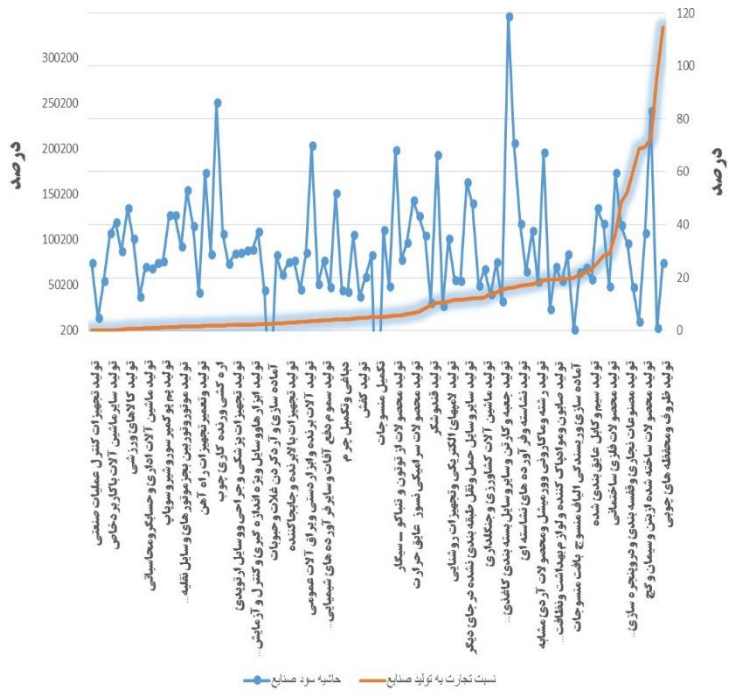
تهیه کننده: دکتر خلیل حیدری

شماره: ۸۶۰

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۵/۲۸

توضیح اجمالی:

بر اساس دانش اقتصاد، نتیجه یک بازار رقابت کامل حداکثر تولید در قیمت های تعادلی (برابری تقاضا با عرضه) خواهد بود. قیمت تعادلی را نیروهای بازار و نه یک یا چند بنگاه فعال در بازار تعیین می کنند. این مدل اقتصادی، کارآترین شیوه تولید را مشخص می کند. در مقابل هر عاملی که اقتصاد را از این شرایط بهینه دور کند موجب هدر رفت منابع کمیاب در اقتصاد می گردد و رفاه جامعه را کاهش می دهد. یکی از عواملی که اقتصاد را از چنین شرایط بهینگی دور می کند انحصار است. انحصار به تولیدکنندگان و عرضه کنندگان، قدرتی خواهد داد که قیمت را بالاتر از هزینه نهایی قرار دهند و برای خود حاشیه سود غیراقتصادی ایجاد کنند. به این توانایی قدرت انحصاری یا قدرت بازار گویند. قدرت بازار یا قدرت انحصاری صنایع به



روش های مختلف قابل اندازه گیری است. بر اساس آخرین روش های برآورد (تابع تصادفی مرزی) قدرت انحصاری صنایع کارخانه ای ایران در سطح کدهای ۴ رقمی ISIC طی سال های ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۲ بین ۲۰ تا ۲۶ درصد در نوسان بوده است. از این اطلاعات چنین استنباط می شود که صنایع کارخانه ای کشور به طور متوسط ۲۳ درصد قدرت انحصاری اعمال می کنند.

اقتصاددانان از زمان آدام اسمیت تا کنون همواره تجارت کالا و خدمات را از جمله عوامل افزایش رقابت و کاهش قدرت بازار و قدرت انحصاری صنایع می دانند. بنابراین انتظار این است که افزایش تجارت موجب کاهش قدرت بازاری گردد که نتیجه آن افزایش رفاه خواهد بود. برای نشان دادن تاثیر تجارت بر صنایع کارخانه ای ایران رابطه شاخص بازبودن صنایع کارخانه ای ایران (نسبت تجارت صنایع به ارزش افزوده صنایع) در سطح کدهای ۴ رقمی ISIC همراه با اندازه قدرت انحصاری هر رشته فعالیت در نمودار فوق آمده است. با توجه به روند صعودی بازبودن صنایع؛ روند نزولی اندازه قدرت انحصاری صنایع کارخانه ای دیده نمی شود. یکی از دلایلی که چنین حالتی را ایجاد می کند مستقل نبودن تولیدکنندگان و تجار دانسته شده به عبارت دیگر چنانچه تولیدکنندگان خود تجارت محصول کنند نه تنها تجارت عامل کاهش قدرت انحصاری نیست بلکه عاملی برای افزایش آن خواهد بود.

نکته کلیدی: صنایع کارخانه ای ایران به طور متوسط ۲۳ درصد قدرت انحصاری برای کسب حاشیه سود غیراقتصادی اعمال می کنند. علی رغم تاکید اقتصاددانان بر اینکه افزایش تجارت عاملی برای کاهش قدرت انحصاری است اما در عمل ملاحظه شد که با افزایش درجه باز شدن بازار صنایع کشور، قدرت انحصاری آنان کاهش پیدا نمی کند. تحلیل گران یکی از عوامل اصلی را عدم استقلال تولیدکنندگان و تجار کنندگان هر صنعت می دانند. بنابراین سیاست های تجاری لزوما باعث کاهش قدرت انحصاری نیستند. تقویت استانداردها مطابق قواعد جهانی کارسازتر خواهند بود.